

روابط بین الملل و سیاست خارجی حکومت اسلامی

۳

ابراهیم امینی

در شماره قبلی خواندید که در جای خود ثابت شده است که اسلام در سیاست دخالت کرده و نسبت به تأسیس حکومت و اداره امت اسلام واجرائ احکام و قوانین اجتماعی، نظر و دخالت دارد.

وگفتیم که در موضوع سیاست خارجی ابتدا باید این مطلب را روشن کنیم که آیا ما نسبت به مردم سایر کشورها مسؤلیت و تعهدی داریم و اسلام از ما چیزی خواسته است یا نه؟ و اگر خواسته چیست؟ و راه نیل به آن کدام است؟ و گفتیم برای اینکه بفهمیم با چه کشوری رابطه برقرار سازیم و با چه کشوری نه، باید ابتداء به چند مطلب اشاره نماییم و در این راستا اشاراتی داشتیم به رسالت جهانی پیامبر اسلام و تبلیغ و گسترش اسلام و دعوت به خیر که یک وظیفه همگانی در اسلام است و نیز وظیفه مبارزه با ظلم و استکبار و دفاع از محرومین

و مستضعفین و استقلال امت اسلام و رابطه اش با کشورهای کفر و دوسنی با کفار در حال اضطراب و تقیه، پیمان همکاری و عدم تعرض با کفار، وفای به معاهدات و پیمانها و ارعاب دشمنان. اینک دنباله مطلب:

در این آیه به پیامبر فرمان میدهد که با کفار و منافقین جهاد کن و در این باره سرسختی نشان بده. ظاهراً مراد از جهاد، تلاش و کوشش باشد، زیرا پیامبر که با منافقین جنگ نکرد. به پیامبر دستور می دهد که برای پیشبرد هدف خود و خنثی ساختن نقشه ها و توطئه های کفار و منافقین، بوسیله اقامه برهان و پند و اندرز، وارشاد و هدایت و با هر وسیله ممکن سخت بکوش و در برابر دشمنان پایدار باش و سستی و ضعف نشان نده.

ومی فرماید: «فلا تطع الکاذبین - ودوا لوتدهن فیدهنون»^۲.

ومی فرماید: «فلا تطع الکافرین وجاهد هم به جهاداً کبیراً»^۴.

ومی فرماید: «ولا تهنوا ولا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین»^۵.

قاطعیت و پایداری در برابر دشمن قرآن به مسلمین دستور می دهد که هیچگاه از دشمنی ذاتی و کینه های درونی و توطئه گری و نقشه های پنهانی کفار، غافل نباشید زیرا همواره در پی فرصتند تا راه دخالت و سلطه گری بر شما را بجویند و دین و استقلالتان را از دستتان بگیرند. در تعقیب اهداف الهی خودتان همواره در برابر دشمنان پایدار و قاطع باشید و از خواسته های غیر مشروع آنها پیروی نکنید.

خدا در قرآن می فرماید: «محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم»^۱.

ومی فرماید: «یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم و ما واهم جهنم و بش المصیر»^۲.

- (۱) محمد رسول خدا و افرادی که با او هستند، نسبت به کفار سختگیر و نسبت به هم مهربان و ملایم هستند. (سوره فتح، آیه ۲۹)
- (۲) ای پیغمبر با کفار و منافقین جهاد و کارزار کن و به آنها سخت بگیر و جهنم جایگاه آنهاست و چه بد منزلگاهی است. (سوره تحریم، آیه ۹)
- (۳) ای پیغمبر از مکذبین (که آیات الهی را تکذیب می کنند) پیروی مکن، آنها (بسیار) مایلند که تو با آنها مدارا کنی تا آنها هم (به نفاق) با تو مدارا کنند. (سوره قلم، آیه ۸/۹)
- (۴) پس (هرگز) تابع کافران مباش و با آنها سخت جهاد و کارزار کن. (سوره فرقان، آیه ۵۲)
- (۵) وسست نشوید و اندوهگین مباشید و شما بالاترین و بلندمرتبه ترین (مردم دنیا) هستید اگر مؤمن باشید. (سوره

و می فرماید: «فلذالك فادع واستقم
كما امرت ولا تتبع اهلهم»^۱.

ومی فرماید: «فاستقم كما امرت
ومن تاب معك ولا تطغوا انه بما تعملون
بصير- ولا تركزوا الى الذين ظلموا
فتمسك النار وما لكم من دون الله من
اولياء ثم لا تنصرون»^۲.

ومی فرماید: «ان الذين قالوا ربنا
الله ثم استقاموا فلا خوف عليهم ولا هم
يحزنون»^۳.

روابط حکومت اسلامی با سایر مسلمین جهان

اسلام همه مسلمین را یک امت
واحد می داند که بر اساس وحدت عقیده
و مکتب و هدف تأسیس شده و در بین
تمام آحادش یک پیوند عمیق مکتبی

آل عمران، آیه ۱۳۹

(۱) بدین جهت، ای پیغمبر (همه را به دین اسلام) دعوت کن و چنانچه مأموری پایداری کن و پیرو هوای نفس
آنها مباش. (سوره شوری، آیه ۱۵)

(۲) پس ای رسول همچنانکه مأموری استقامت و پایداری کن، همچنین کسانی که با توبه سوی خدا آمده‌اند و
طغیان نکنند که خداوند آنچه را که انجام می‌دهد می‌بیند - و بر ظالمان تکیه نکنید که موجب می‌شود آتش شما را فرا
گیرد و (در آن حال) جز خدا هیچ ولی و سرپرستی نخواهید داشت و یاری نمی‌شود. (سوره هود، آیه ۱۱۳/۱۱۲)

(۳) آنانکه گفتند پروردگار ما «الله» است و سپس (براین گفتار خویش) استقامت ورزیدند، بر آنها هیچ ترس
و حزنی نخواهد بود. (سوره احقاف، آیه ۱۳)

(۴) این (پیامبران بزرگی که به آنها اشاره کردیم و پیروان آنها) همه امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف) و من
پروردگار شما هستم، مرا پرستش کنید. (سوره انبیاء، آیه ۹۲)

(۵) پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود: هر مؤمنی نسبت به مؤمن دیگر مثل پایه و اساس (بنا) می‌باشد که بعضی از
آن، حافظ و نگهدارنده بعض دیگر است. (مجمع الزوائد ج ۸/۸۷)

وجود دارد، که اختلافات اقلیمی و
نسزادی و زبانی و مرزی و جز اینها
نمی‌تواند آن را برهم زند.

در قرآن می‌فرماید: «ان هذه امتکم
امة واحدة وانا ربکم فاعبدون»^۴. در این
آیه مسلمین به عنوان یک امت معرفی
شده‌اند که به سوی یک هدف مشترک
حرکت می‌کنند که یک رب دارند
و هدفشان پرستش خدای یگانه است.

در احادیث فراوان نیز مسلمین به
عنوان یک پیکر و آحاد مسلمین به عنوان
اعضاء پیکر واحد معرفی شده‌اند. از
باب نمونه:

عن ابی سعید عن النبی صلی الله
علیه وآله قال: «المؤمن للمؤمن کالبنیان
یشد بعضه بعضاً»^۵.

وعن النبی صلی الله علیه وآله قال:

«ان المؤمن من اهل الايمان بمنزلة الرأس من الجسد يألم المؤمن لاهل الايمان كما يألم الجسد لما في الرأس»^۱.

وقال رسول الله صَلَّى الله عليه وآله: «من اصبح لايهتم بامور المسلمين فليس منهم ومن سمع رجلاً ينادى يا للمسلمين فلم يجبه فليس بمسلم»^۲.

وقال ابو عبد الله عليه السلام: «المؤمن أخو المؤمن كالجسد الواحد ان اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذ لك في سائر جسده»^۳.

وقال ابو عبد الله عليه السلام: «انما المؤمنون اخوة بنو اب وام، واذا ضرب على رجل منهم عرق سهر له الاخرون»^۴.

وقال ابو عبد الله عليه السلام: «المسلم اخو المسلم لا يظلمه ولا يخذله ولا يخونه ويحق على المسلمين الاجتهاد

فى التواصل والتعاون على التعاطف والمواساة لاهل الحاجة وتعاطف بعضهم على بعض حتى تكونوا كما امركم الله عزوجل: «رحماء بينكم» متراحمين مفتمين لما غاب عنكم من امرهم على ما مضى عليه معشر الانصار على عهد رسول الله صَلَّى الله عليه وآله»^۵.

از اين مجموع چنين استفاده مى شود كه همه مسلمين برادرند بلكه به منزله يك پيكرند ونمى توانند نسبت به اوضاع همديگر بى تفاوت باشند. بلكه بايد روح تعاون ومواساة و برادرى وخيرخواهى ومحبت ودلسوزى وهمكارى ودفاع، در بين تمام آنها حاكم باشد.

واز اينجا مى توان نتيجه گرفت كه مسئوليت حكومت اسلامى نيز محدود به

- (۱) پيغمبر اسلام صَلَّى الله عليه وآله فرمود: نسبت مؤمن به اهل ايمان به منزله سر نسبت به بدن است ومؤمن درد اهل ايمان را حس کرده ومى فهمد همچنانكه دردهاى بدن به وسيله سر درك مى شود. (مجمع الزوائد ج ۸/ ۸۷)
- (۲) كسى كه روز خود را سپرى كند بدون اينكه نسبت به امور مسلمانان اهتمام داشته باشد، از آنها نيست و كسى كه فریاد «اى مسلمانان» برادرىتى خود را بشنود و به آن جواب (مثبت) ندهد، مسلمان نيست. (كافى، ج ۲/ ۱۶۴)
- (۳) مؤمن برادر مؤمن است وممانند جسد واحدهند كه اگر ناراحتى به عضوى از آن وارد شود، ناراحتى آن به سائر اعضا نيز سرايت خواهد كرد. (كافى، ج ۲/ ۱۶۶)
- (۴) امام صادق عليه السلام فرمودند: همانا مؤمنان برادرو از يك پدر ومادرند و اگر رگ يكي از آنها زده وبريده شود، خواب به چشم ديگران (هم) راه نخواهد يافت. (كافى، ج ۲/ ۱۶۵)
- (۵) امام صادق عليه السلام فرمودند: مسلمان برادر مسلمان است ونسبت به او ظلم نكرده ومقام او را پائين نياورده وبه او خيانت نمى كند وبر مسلمانان است كه در ارتباط و همبستگى وتعاون وهمكارى بر خيرخواهى ودلسوزى ومواساة با نيازمندان ودلسوزى نمودن نسبت به ديگران - همانگونه كه خداوند عزوجل در اين گفته اش به آن امر کرده كه (با يكديگر بسيار مشفق ومهربانند) كوشا باشند شما را امر كرد - نسبت به يكديگر رحيم بوده وغمخوار آنان باشيد كه از شما پنهان شده اند، بدانسان كه گروه انصار در زمان پيامبر (ص) چنين بودند. (كافى، ج ۲/ ۱۷۴)

مرزهای کشورش نیست بلکه نسبت به تمام آحاد مسلمین جهان تعهد و مسئولیت دارد. و باید به حد توانش در این باره کوشش کند که اهم آنها از این قرار است:

جهان.

۶ - دفاع از استقلال و موجودیت آنان اگر مورد حمله دشمن قرار گرفته اند.
حکومت اسلامی چنین مسئولیت بزرگی را برعهده دارد لیکن به مقدار

اسلام همه مسلمین را یک امت واحد می داند، که براساس وحدت عقیده و مکتب و هدف تأسیس شده، و در بین تمام آحادش یک پیوند عمیق مکتبی وجود دارد.

امکان و توان و در حد صلاح و مصلحت که نسبت به کشورها و ملتها و اوضاع و شرایط، متفاوت خواهد بود. و این حکومت اسلامی است که باید امکانات موجود و شرایط و اوضاع را بررسی کند و برطبق آنها برنامه سیاست خارجی خویش را تنظیم نماید.

روابط حکومت اسلامی با دولتهای حاکم بر مسلمین

آیا حکومت اسلامی در برابر دولتهای حاکم بر مسلمین چه سیاستی را باید انتخاب کند؟ آیا روابطش با آن دولتها باید همانند روابط با کشورهای

۱ - نشر حقائق و معارف واقعی اسلام در بین تمام مسلمین جهان، بوسیله پخش کتب و مجلات و روزنامه ها و ارسال مبلغین و تبادلات فرهنگی و اعزام اساتید و تأمین و اداره مساجد و مدارس، بوسیله برنامه های تبلیغات دینی در رسانه های عمومی و هر وسیله تبلیغاتی دیگر.

۲ - حمایت از نهضتهای اسلامی و رهایی بخش مسلمین سایر کشورها.

۳ - کمکهای اقتصادی نسبت به محرومین و مستضعفین و مستمندان.

۴ - دفاع از مظلومین و ستمدیدگان.

۵ - کوشش برای وحدت مسلمین

کفر باشد؟ یا سیاست دیگری را باید برگزیند؟

البته دولتهای حاکم بر مسلمین یکسان نیستند، و می توان آنها را بطور کلی به چند دسته تقسیم نمود:

دسته اول: دولتها و حکومت های صد درصد اسلامی که به نظام اسلامی عقیده دارند و آن را در تمام ابعاد با اجرا می گذارند.

دسته دوم: دولتی هائی که اجمالاً به اسلام عقیده مند هستند لیکن شناخت کاملی از اسلام ندارند. از اسلام بیش از عبادیات و عقائد و مقداری از اخلاقیات چیزی نمی شناسند و اسلام را به عنوان یک نظام کامل عبادی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، نشناخته اند. طبعاً در صدد اجرای کامل آن هم نخواهند بود. اما از روی چهل و عدم شناخت نه عناد و خلاف.

دسته سوم: دولتهائی که مدعی اسلام هستند، لیکن جز ریاست و حکومت بر مسلمین هدفی ندارند. آنها طالب مقام و حکومت و عیش و نوش هستند و کاری به اسلام و غیر اسلام ندارند و به احکام و قوانین اسلام مقید نیستند.

دسته چهارم: دولتهائی که نه تنها به اسلام تقید ندارند بلکه اصلاً از سوی کشورهای کفر و استکباری به حکومت منصوب گشته و تأیید میشوند و عامل کفار و مستکبرین و دشمنان اسلام بشمار می روند.

بنابراین سیاست حکومت اسلامی در برابر همه این دولتها نمی تواند یکسان باشد. حکومت اسلامی یک حکومت مکتبی و هدفدار است باید سیاستی را انتخاب کند که بهتر و نزدیکتر او را به هدف برساند. حکومت اسلامی نسبت به همه مسلمین جهان تعهد و مسئولیت دارد. و تعهدات او اجمالاً از این قرار است:

۱- باید در نشر فرهنگ و معارف اسلام و بیدار ساختن مسلمین جهان تلاش کند.

۲- در ایجاد الفت و برادری و حسن تفاهم و وحدت امت اسلام بکوشد.

۳- سعی در قطع نفوذ و سلطه کفار و مستکبرین، در امور مسلمین را داشته باشد.

۴- برای کسب استقلال و آزادی کامل امت اسلام کوشش کند.

۵- برای تأسیس حکومت اسلامی

و اجرای کامل قوانین اسلام در تمام جهان تلاش نماید.

۶- برای دفاع از محرومین و مستضعفین و برقرار ساختن عدالت اجتماعی در تمام جهان اقدام کند.

۷- برای مبارزه با کفر و مادیگری و استکبار کوشش کرده و گسترش توحید و اسلام در جهان از اهداف اصلی او باشد.

آری حکومت اسلامی یک چنین مسئولیت سنگین و حساسی را برعهده دارد که انجام آن کاریست بسیار ظریف و دشوار. باید مسئولین امور با توجه به اهداف مذکور، سیاست خارجی خویش را چنان تنظیم کنند که زودتر و بهتر به هدف نائل گردند. و طبعاً یکسان نبوده، بلکه نسبت به کشورها و دولتها و اوضاع و شرایط عمومی آن کشورها و شرایط و مقتضیات زمانها و مکانها، و حوادث و اوضاع عمومی جهان و مقدار توان و امکانات اقتصادی و سیاسی و نظامی حکومت اسلامی، متفاوت خواهد بود. مهم اینست که نباید هدف را هیچگاه از یاد ببریم و در نیل به آن تلاش کنیم، و از هر فرصت و وسیله ممکن استفاده نمائیم.

گاهی ارتباط کامل اصلاح است گاهی قطع رابطه، گاهی جنگ اصلاح است گاهی صلح. مسئولین حکومت اسلامی هستند که می توانند بهترین راه را انتخاب نمایند. اما اجمالاً می توان گفت که ایجاد روابط حسنه فواید ذیل را در بردارد:

۱- با حسن تفاهم بین دولتها بهتر میتوان با ملتها تماس گرفت و در نشر معارف و قوانین حیات بخش اسلام و بیدار ساختن مسلمین و آشنایی آنها با حقائق اسلام و آماده ساختن زمینه مناسب برای اجرای کامل قوانین اسلام تلاش کرد.

گاهی ارتباط کامل اصلاح است گاهی قطع رابطه، گاهی جنگ اصلاح است، گاهی صلح. مسئولین حکومت اسلامی هستند که می توانند بهترین راه را انتخاب کنند.

۲- با ایجاد روابط دوستانه بهتر می توان در مجامع بین المللی از همکاریهای آنها به نفع اسلام بهره گرفت.

۳- با ایجاد روابط حسنه بهتر می توان به وحدت امت اسلامی رسید و ملتها و دولتها را از چنگال خون آلود کشورهای کفر و استکبار نجات داد. زیرا کفار و مستکبرین سعی دارند در بین کشورهای اسلامی تفرقه بیندازند تا برای حفظ موقعیت خویش به آنان پناه ببرند. بنابراین قطع رابطه با کشورهای اسلامی یکی از خواسته های استعمارگران است. پس حکومت اسلامی، بدون اینکه هدف خویش را فراموش کند، اگر با کشورهای اسلامی دیگر رابطه برقرار سازد و در جلب و جذب آنها بکوشد قهراً به هدف نزدیکتر خواهد شد. زیرا حکومت اسلامی هر چه به آن کشورها و ملتها نزدیکتر شود، استعمار و استکبار به همان نسبت دورتر خواهد شد.

۴- اگر حکومت اسلامی با کشوری قطع رابطه کرد، دولت مزبور ناچار میشود برای حفظ موجودیت خودش پیوندش را با کفار و مستکبرین استوارتر سازد تا حدی که امکان دارد یک مرتبه در دامن کفر و استکبار سقوط نماید. و این موضوع به ضرر جهان اسلام تمام خواهد شد.

۵- ارتباط حکومت اسلامی با چنین دولتهایی از لحاظ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به نفع ملتها خواهد بود.

۶- با حسن تفاهم و روابط دوستانه می توان از دشمنی و توطئه های آنها جلوگیری کرد و حداقل از آنها کاست.

۷- حکومت اسلامی با حسن تفاهم و ایجاد روابط اقتصادی و فرهنگی و علمی و نظامی با سایر کشورهای اسلامی می تواند بسیاری از نیازهای خویش را تأمین کند و به خود کفایی نزدیکتر شود و بسیاری از نیازهای آنها را نیز تأمین کند و به همین نسبت از وابستگی آنها بکاهد و در نتیجه به استکبار و استعمار جهانی ضربه ای وارد سازد.

اما همه اینها مشروط بر اینست که حکومت اسلامی هیچگاه هدف و رسالت اسلامی خویش را فراموش نکند، بلکه همواره هدف را در نظر داشته باشد و بهترین راه رسیدن به آن را انتخاب کرده و در رسیدن به آن تلاش و جهاد کند. نیل به هدف را قطعاً نمی توان در یک طریق مخصوص منحصر کرد بلکه نسبت به شرایط و اوضاع، متفاوت خواهد بود. که انتخاب

آن هم بسیار ظریف و دقیق و حساس می باشد و کوچکترین غفلت و سهل انگاری ممکن است باعث

مسئولین امور باید با عقل و تدبیر و عاقبت اندیشی کامل، با رعایت اوضاع و شرایط عمومی و حفظ ضوابط کلی

حکومت اسلامی، بدون اینکه هدف خویش را فراموش کند، اگر با کشورهای اسلامی دیگر رابطه برقرار سازد و در جلب و جذب آنها بکوشد قهراً به هدف نزدیکتر خواهد شد.

مشکلات صعب‌العلاجی گردد و حکومت اسلامی را در جهان به انزوا و ضعف بکشاند.

اسلام، بهترین و نزدیکترین راه را انتخاب نمایند و برای رسیدن به آن تلاش کنند. و در چهارچوب همین ضوابط است که گاهی قطع رابطه و حتی مبارزات مخفی و علنی ضرورت پیدا می کند.

به هر حال انتخاب سیاست خارجی و روابط بین الملل با حفظ هدف، کار بسیار ظریف و حساسی است که

پایان

بقیه از صفحه ۹۰

انسان کامل می تواند آنرا دارا شود و امام هم در ولایت برتکونین وهم در اداره امور اجتماع و حکومت بر مردم وهم در صفات و کمالات نفسانی «خليفة الله» است.

ادامه دارد